



شما در حال مطالعه نسخه آفلاین یکی از مقالات «زبان مستر» هستید. لطفاً توجه داشته باشید که در این نسخه، برخی امکانات تعاملی مانند پخش صوت، ویدیو و تمرین‌های هوش مصنوعی در دسترس نیستند. برای مشاهده نسخه کامل و آنلاین مقاله، همراه با امکانات آموزشی و تجربه کاربری بهتر، [اینجا کلیک کنید](#).

خرید به انگلیسی (مکالمه و کلمات کاربردی)

ارسال شده توسط مصطفی ساهری | مقالات زبان انگلیسی | ۴۶۷ بازدید | ۱۴۰۵/۰۴/۱۵

The graphic features a light blue sky with white clouds. On the left is a red and white 'SHOPPING MALL' building. In the center, a woman in a blue dress pushes a shopping cart filled with colorful bags. Below her is a large smartphone displaying the same scene. On the right is a 'GROCERY MARKET' stall with a green awning. The text 'خرید به انگلیسی' is written in large black font, followed by 'Shopping in English' and 'مثال و ترجمه' with a plus sign icon. The Zaban Master logo is in the bottom right corner, and the website 'zabanmaster.com' is in the bottom left.

خرید یکی از موقعیت‌های روزمره‌ای است که دانستن کلمات و جمله‌های انگلیسی آن، هم در سفر و هم در خرید آنلاین به کارتان می‌آید. در مسیر آموزش زبان انگلیسی، فقط حفظ کردن کلمه‌ی buy کافی نیست؛ باید بدانید چطور قیمت بپرسید، تخفیف بگیرید، پرداخت کنید یا کالایی را مرجوع کنید. در این مقاله، مهم‌ترین کلمات، اصطلاحات و جمله‌های کاربردی خرید به انگلیسی را با مثال‌های واقعی یاد می‌گیریم.

موضوعات این مقاله

- ۱ پادکست آموزش خرید کردن در انگلیسی
- ۲ خرید به انگلیسی چی می شود؟
- ۳ کلمات پایه خرید به انگلیسی
- ۴ انواع فروشگاه ها به انگلیسی
- ۵ خرید لباس به انگلیسی
- ۶ خرید مواد غذایی به انگلیسی
- ۷ جملات کاربردی خرید به انگلیسی در فروشگاه
- ۸ پرداخت به انگلیسی
- ۹ تخفیف و حراج به انگلیسی
- ۱۰ چانه زدن و مذاکره در خرید به انگلیسی
- ۱۱ خرید آنلاین به انگلیسی
- ۱۲ مرجوع کردن، تعویض و پس گرفتن پول به انگلیسی
- ۱۳ شکایت در خرید به انگلیسی
- ۱۴ اصطلاحات رایج خرید به انگلیسی
- ۱۵ تابلوها و نوشته های رایج در فروشگاه ها به انگلیسی
- ۱۶ جمع بندی
- ۱۷ سوالات متداول

پادکست آموزش خرید کردن در انگلیسی

▶ 0:00 / 0:00



خرید به انگلیسی چی می‌شود؟

برای گفتن «خرید» یا «خریدن» در انگلیسی فقط یک کلمه وجود ندارد. بسته به جمله، موقعیت و رسمی یا غیررسمی بودن فضا، می‌توان از کلمات مختلفی مثل **buy**، **shop**، **shopping**، **purchase** و حتی **get** استفاده کرد. در این بخش علاوه بر ترجمه فارسی و تلفظ خود کلمه، هر یک از کلمات را در جملات مثال واقعی نیز به کار می‌بریم تا با کاربرد معادل‌های خرید به انگلیسی آشنا شوید.

buy

خریدن – از **buy** وقتی استفاده می‌کنیم که درباره خریدن یک چیز مشخص حرف می‌زنیم.

I need to **buy** a new bag.

باید یک کیف جدید بخرم.

shop

خرید کردن – **shop** بیشتر به معنی خرید کردن، گشتن در فروشگاه‌ها یا دنبال خرید چیزی بودن است.

We usually **shop** at this supermarket.

ما معمولاً از این سوپرمارکت خرید می‌کنیم.

shopping

خرید - هم می تواند به خود عمل خرید کردن اشاره کند، هم به خریدهایی که انجام می دهیم

I have to **do some shopping** after work.

بعد از کار باید کمی خرید کنم.

purchase

خریدن - رسمی تر از **buy** است و بیشتر در متن های اداری، تجاری، فروشگاه یا آنلاین دیده می شود

You can **purchase** tickets online.

می توانید بلیت ها را آنلاین خریداری کنید.

get

گرفتن - در این حالت، **get** معنی «خریدن» می دهد، اما طبیعی تر و محاوره ای تر است

I **got** a new phone last week.

هفته پیش یک گوشی جدید خریدم.

pick up

خریدن - وقتی استفاده می‌شود که چیزی را سریع از فروشگاه می‌خریم یا در مسیر، چیزی را برمی‌داریم

Can you **pick up** some bread on your way home?

می‌توانی در مسیر برگشت به خانه کمی نان بخری؟

go shopping

خرید رفتن

We're **going shopping** this afternoon.

امروز بعد از ظهر می‌رویم خرید.

نکته: عبارت **go to shopping** اشتباه است. شکل درست آن **go shopping** است.

do the shopping

خریدها را انجام دادن - بیشتر برای خریدهای روزمره خانه، مثل خرید مواد غذایی، استفاده می‌شود

My dad usually **does the shopping** on Fridays.

پدرم معمولاً جمع‌ها خرید خانه را انجام می‌دهد.

shop for something

خریدن - وقتی استفاده می‌کنیم که دنبال خرید چیز خاصی هستیم

I'm **shopping** for a new laptop.

دنبال خرید یک لپ‌تاپ جدیدم.

buy something for someone

چیزی برای کسی خریدن

I **bought** a gift for my sister.

برای خواهرم یک هدیه خریدم.

spend money on something

پول خرج چیزی کردن

I don't want to **spend too much money** on clothes.

نمی‌خواهم زیادی پول خرج لباس کنم.

order something online

چیزی را آنلاین سفارش دادن

I ordered these shoes online.

این کفش‌ها را آنلاین سفارش دادم.

بیشتر بخوانید: آموزش رایگان زبان انگلیسی

کلمات پایه خرید به انگلیسی

در این بخش با مهم‌ترین کلمات مربوط به خرید به انگلیسی آشنا می‌شویم؛ کلماتی که هم در فروشگاه، هم در خرید آنلاین، هم در مکالمه‌های روزمره کاربرد دارند. این کلمات خود محصولات، جزئیات مربوط به آنها، قیمت‌ها، رسید و ... را در بر می‌گیرند.

item

کالا / محصول / آیتم

This item is not on sale.

این کالا تخفیف ندارد.

product

محصول

This **product** is very popular.

این محصول خیلی محبوب است.

goods

کالاها

The store sells imported **goods**.

این فروشگاه کالاهای وارداتی می‌فروشد.

brand

برند

What brand is your **jacket**?

ژاکت / کتت چه برندی است؟

model

مدل

Do you have this **model** in black?

مشکی این مدل را دارید؟

quality

کیفیت

The **quality** is better than I expected.

کیفیتش بهتر از چیزیست که انتظار داشتم.

price

قیمت

The **price** is too high.

قیمتش زیادی بالاست.

price tag

برچسب قیمت

I can't find the **price tag**.

نمی‌توانم برچسب قیمت را پیدا کنم.

cost

هزینه

What's the **total cost**?

مجموع هزینه چقدر است؟

total

مجموع

Your **total** is forty dollars.

مجموع خرید شما چهل دلار است.

budget

بودجه

My **budget** is around \$100.

بودجه من حدود 100 دلار است.

size

سایز / اندازه

What **size** do you need?

چه سایزی نیاز دارید؟

color

رنگ (در انگلیسی بریتیش به شکل colour نوشته می شود)

Do you have this in another **color**?

این را در رنگ دیگری دارید؟

style

سبک

I like the **style**, but not the color.

از مدلش خوشم می‌آید، اما رنگش را دوست ندارم.

fit

فیت بودن / اندازه بودن

These jeans **fit** me perfectly.

این شلوار جین کاملاً اندازه من است.

customer

مشتری

The **customer** asked for a refund.

مشتری درخواست استرداد وجه کرد.

salesperson

فروشنده

The **salesperson** was very helpful.

فروشنده خیلی کمک کننده بود.

shop assistant

دستیار فروش / فروشنده (بیشتر در انگلیسی بریتیش برای «فروشنده» به کار می رود)

I asked the **shop assistant** for a larger size.

از فروشنده سایز بزرگ تری خواستم.

cashier

صندوقدار

Please pay at the **cashier**.

لطفا دم صندوق (پیش صندوقدار) پرداخت کنید.

manager

مدیر

Can I speak to the **manager**?

می‌توانم با مدیر صحبت کنم؟

basket

سبد

I put the apples in my **basket**.

سیب‌ها را در سبدم گذاشتم.

cart

سبد خرید چرخ‌دار (در انگلیسی امریکایی)

Your **cart** is almost full.

سبد خریدت تقریباً پر است.

trolley

سبد خرید چرخ دار (در انگلیسی بریتیش)

She pushed the **trolley** down the aisle.

او چرخ خرید را در راهروی فروشگاه هل داد.

checkout

صندوق

There was a long line at the **checkout**.

صف صندوق طولانی بود.

counter

پیشخوان / کانتر

You can pick up your order at the **counter**.

می‌توانید سفارشتان را دم پیشخوان تحویل بگیرید.

receipt

رسید

Could I get a **receipt**, please?

می‌توانم رسید بگیرم، لطفاً؟

invoice

فاکتور – بیشتر در خریدهای رسمی، کاری یا شرکتی استفاده می‌شود

The company sent us an **invoice**.

شرکت برای ما یک فاکتور فرستاد.

bill

صورت حساب

Can we have the **bill**, please?

می‌توانیم صورت حساب را داشته باشیم، لطفاً؟

بیشتر بخوانید: مکالمه انگلیسی در بانک

انواع فروشگاه‌ها به انگلیسی

در خرید به انگلیسی، شناختن نام فروشگاه‌ها به انگلیسی بسیار کاربردیست، هم در سفر و هم در مکالمه روزمره. در این بخش با معنی و کاربرد کلی آن‌ها آشنا می‌شویم و هر یک از انواع فروشگاه را در یک مثال واقعی و مکالمه‌ای می‌بینیم. مهم‌ترین نکته این است که تنها در صورتی می‌توانید محصول مورد نظرتان را پیدا کنید که بدانید باید به کدام فروشگاه مراجعه کنید و بتوانید در این مورد صحبت کنید.

انواع فروشگاه‌ها به انگلیسی



supermarket



market



clothing store



jewelry store



cosmetics store

zabanmaster.com

supermarket

سوپرمارکت

I need to stop by the **supermarket**.

باید سری به سوپرمارکت بزنم.

grocery store

خواربارفروشی

There's a **grocery store** near my apartment.

نزدیک آپارتمانم یک خواربارفروشی هست.

convenience store

بقالی / سوپرمارکت کوچک که معمولا تا دیروقت (اکثرا ۲۴ ساعته) باز است

I bought some water from a **convenience store**.

از یک بقالی کمی آب خریدم.

department store

فروشگاه بزرگ چندمنظوره

They sell clothes and home goods at that **department store**.

در آن فروشگاه چند منظوره لباس و لوازم خانه می فروشند.

shopping mall

پاساژ

We spent the afternoon at the **shopping mall**.

بعد از ظهر را در پاساژ گذرانیدیم.

shopping center

مرکز خرید

There's a new **shopping center** outside the city.

بیرون شهر یک مرکز خرید جدید هست.

market

بازار

We bought fresh fruit at the **market**.

از بازار میوه تازه خریدیم.

outlet

محل عرضه مستقیم (از کارخانه و ...)

I found these shoes at an **outlet**.

این کفش‌ها را در یک فروشگاه اوتلت (عرضه مستقیم از تولیدی) پیدا کردم.

clothing store

پوشاک‌فروشی

She works at a **clothing store**.

او در یک پوشاک‌فروشی کار می‌کند.

clothes shop

لباس‌فروشی

I saw a nice coat in that **clothes shop**.

در آن لباس فروشی یک پالتوی قشنگ دیدم.

shoe store

کفش فروشی

Let's go to the **shoe store** first.

اول برویم کفش فروشی.

jewelry store

جواهر فروشی

He bought a ring from a **jewelry store**.

او از یک جواهر فروشی انگشتر خرید.

cosmetics store

فروشگاه لوازم آرایشی

She bought lipstick from a **cosmetics store**.

او از یک فروشگاه لوازم آرایشی رژ لب خرید.

بیشتر بخوانید: آموزش لوازم آرایشی به انگلیسی

boutique

بوتیک (معمولا شیک و برای اجناس خاص)

This **boutique** sells handmade dresses.

این بوتیک لباس های دوخت دست می فروشد.

bakery

نانوایی

I bought fresh bread from the **bakery**.

از نانوایی نان تازه خریدم.

butcher's

قصابی

I got some beef from the **butcher's**.

از قصابی کمی گوشت گاو خریدم.

بیشتر بخوانید: مکالمه انگلیسی در قصابی

fishmonger's

ماهی‌فروشی

The **fishmonger's** is closed today.

ماهی‌فروشی امروز بسته است.

greengrocer's

میوه‌فروشی

I bought tomatoes from the **greengrocer's**.

از میوه‌فروشی چندتا گوجه خریدم.

بیشتر بخوانید: میوه ها و سبزیجات به انگلیسی

deli

اغذیه‌فروشی – فروشگاه‌ی برای خرید غذاهای آماده، ساندویچ، پنیر، گوشت سرد و خوراکی‌های خاص

I picked up a sandwich from the **deli**.

از اغذیه‌فروشی یک ساندویچ خریدم.

candy store

آبنبات‌فروشی

The kids love that **candy store**.

بچه‌ها آن آبنبات‌فروشی را خیلی دوست دارند.

sweet shop

شیرینی‌فروشی (بیشتر در انگلیسی بریتیش)

We stopped at a **sweet shop** after school.

بعد از مدرسه جلوی یک شیرینی‌فروشی توقف کردیم.

furniture store

مبل فروشی / فروشگاه مبلمان و لوازم منزل

We need to visit a **furniture store** this weekend.

این آخر هفته باید به یک مبل فروشی سر بزنیم.

home goods store

فروشگاه لوازم خانه

I bought some candles from a **home goods store**.

از یک فروشگاه لوازم خانه چند شمع خریدم.

بیشتر بخوانید: لغات خانه به انگلیسی

kitchenware store

فروشگاه لوازم آشپزخانه

This **kitchenware store** has great pans.

این فروشگاه لوازم آشپزخانه ماهیتابه‌های خوبی دارد.

بیشتر بخوانید: لیست کامل وسایل آشپزخانه به انگلیسی

appliance store

فروشگاه لوازم خانگی (برای خرید وسایل برقی خانه مثل یخچال، ماشین لباسشویی و گاز)

We bought our fridge from an **appliance store**.

یخچالمان را از یک فروشگاه لوازم خانگی خریدیم.

hardware store

ابزارفروشی

I need to buy a hammer from the **hardware store**.

باید از ابزارفروشی یک چکش بخرم.

بیشتر بخوانید: لیست کامل ابزارها به انگلیسی

bookstore

کتاب‌فروشی

I found this novel at a **bookstore**.

این رمان را در یک کتاب‌فروشی پیدا کردم.

bookshop

کتاب‌فروشی (در انگلیسی بریتانیایی رایج‌تر است)

There's a small **bookshop** on this street.

در این خیابان یک کتاب‌فروشی کوچک هست.

stationery store

لوازم‌التحریرفروشی

I bought a notebook from the **stationery store**.

از فروشگاه لوازم‌التحریر یک دفتر خریدم.

بیشتر بخوانید: لیست کامل لوازم‌التحریر به انگلیسی

electronics store

فروشگاه لوازم الکترونیکی (گوشی، لپ‌تاپ، هدفون و ...)

I'm going to the **electronics store** to buy headphones.

می‌روم فروشگاه لوازم الکترونیکی تا هدفون بخرم.

pharmacy

داروخانه

I need to pick up some medicine from the **pharmacy**.

باید از داروخانه کمی دارو بگیرم.

بیشتر بخوانید: مکالمه انگلیسی در داروخانه

drugstore

داروخانه – در انگلیسی آمریکایی، **drugstore** به داروخانه یا فروشگاه‌های گفته می‌شود که دارو، محصولات بهداشتی و گاهی کالاهای روزمره می‌فروشد

You can buy shampoo at the **drugstore**.

می توانی از داروخانه شامپو بخری.

toy store

اسباب بازی فروشی

We bought a puzzle from the **toy store**.

از اسباب بازی فروشی یک پازل خریدیم.

pet shop

پت شاپ

I bought cat food from the **pet shop**.

از پت شاپ غذای گربه خریدم.

بیشتر بخوانید: [اسامی تمام حیوانات به انگلیسی](#)

flower shop

گل‌فروشی

He bought roses from a **flower shop**.

او از یک گل‌فروشی رز خرید.

بیشتر بخوانید: [اسامی مکان‌ها به انگلیسی](#)

خرید لباس به انگلیسی

خرید لباس یکی از رایج‌ترین موقعیت‌های خرید به انگلیسی است. مهم است که بتوانید راجع به سایز، رنگ، پرو کردن لباس و موارد مشابه صحبت کنید و برای این کار، هر کلمه در این بخش از مقاله به همراه جمله مثال، معنا و تلفظ صوتی آمده تا بتوانید از آنها در خرید به انگلیسی استفاده کنید.

buy clothes

لباس خریدن

I need to **buy some clothes** for winter.

باید برای زمستان چند دست لباس بخرم.

shop for clothes

خرید لباس رفتن

We're **shopping for clothes** today.

امروز داریم می‌رویم خرید لباس.

clothes shopping

خریدن لباس

I don't really enjoy **clothes shopping**.

من خیلی از خرید لباس لذت نمی‌برم.

try on

پرو کردن

Can I **try this jacket on**?

می‌توانم این ژاکت / کت را پرو کنم؟

fitting room

اتاق پرو

Where are the **fitting rooms**?

اتاق‌های پرو کجاست؟

changing room

رختکن / اتاق پرو (بیشتر در انگلیسی بریتانیایی)

The **changing room** is over there.

اتاق پرو آنجاست.

tight

تنگ

These pants are too **tight**.

این شلوار زیادی تنگ است.

loose

گشاد

This shirt is a bit **loose**.

این پیراهن کمی گشاد است.

fit

فیت بودن / اندازه بودن

This dress **fits** me well.

این لباس درست اندازه من است.

size up

سایز بزرگ‌تری خریدن / گرفتن

You might need to **size up**.

شاید لازم باشد سایز بزرگ‌تری بگیری.

size down

سایز کوچکتري گرفتن

I think I should **size down**.

فكر كنم بايد سايز كوچك تري بردارم.

بیشتر بخوانید: آموزش لباس ها به انگلیسی

خرید مواد غذایی به انگلیسی

برای خرید مواد غذایی، معمولاً از عبارتهای **grocery shopping** و **shop for groceries** استفاده می‌شود. در اینجا اصلی‌ترین خوراکی‌هایی را که در خرید به انگلیسی نیازتان می‌شود را می‌شناسید و هر یک را در جمله مرتبط با خودش می‌بینید.

grocery shopping

خرید مواد غذایی و وسایل روزمره خانه

We do our **grocery shopping** on Sundays.

ما یکشنبه‌ها خرید مواد غذایی خانه را انجام می‌دهیم.

groceries

خوربار - مواد غذایی و اقلام روزمره‌ای که از سوپرمارکت می‌خریم

I need to buy some **groceries**.

باید کمی خواربار بخرم.

shop for groceries

خوربار خریدن

She's **shopping for groceries** right now.

او الان دارد مواد غذایی می‌خرد.

fresh produce

میوه و سبزیجات تازه

This store has great **fresh produce**.

این فروشگاه میوه و سبزیجات تازه خوبی دارد.

meat

گوشت

I need some **meat** for dinner.

برای شام کمی گوشت لازم دارم.

bread

نان

Can you buy some **bread**?

می‌توانی کمی نان بخری؟

dairy

لبنیات

The **dairy section** is at the back of the store.

بخش لبنیات انتهای فروشگاه است.

frozen food

منجمد

I bought some **frozen food** for the week.

برای هفته کمی غذای منجمد خریدم.

بیشتر بخوانید: آموزش غذاها به انگلیسی

جملات کاربردی خرید به انگلیسی در فروشگاه

در این بخش، جمله‌هایی را یاد می‌گیریم که واقعا در فروشگاه و خرید به انگلیسی استفاده می‌شوند. این جمله‌ها برای صحبت با فروشنده، پرسیدن قیمت، انتخاب کالا و تصمیم‌گیری موقع خرید کاربرد دارند. توصیه می‌کنیم هر جمله را چندین بار با صدای بلند و طبق تلفظ صوتی ارائه شده تمرین کنید تا روی آن مسلط شوید.

I'm just looking, thanks.

فقط دارم نگاه می‌کنم، ممنون.

I'm looking for a black jacket.

دنبال یک کت/ژاکت مشکی هستم.

Do you have this in blue?

این را به رنگ آبی دارید؟

Do you have this in stock?

این را موجود دارید؟

How much is this?

این چند است؟

How much are these?

اینها چند هستند؟

Is this on sale?

آیا این تخفیف دارد؟

Do you have any other colors?

رنگ‌های دیگری دارید؟

Do you have this in a smaller size?

این را در سایز کوچک‌تر دارید؟

Do you have this in a larger size?

این را در سایز بزرگ‌تر دارید؟

Can I try this on?

می‌توانم این را پرو کنم؟

I'll take it.

برش می‌دارم. / می‌خرمش.

I'll take these.

برشان می‌دارم. / می‌خرمشان.

I think I'll leave it.

فکر می‌کنم نخرمش.

Could you help me find the dairy section?

می‌توانید کمکم کنید بخش لبنیات را پیدا کنم؟

بیشتر بخوانید: آموزش جملات کاربردی انگلیسی

پرداخت به انگلیسی

در فرآیند خرید به انگلیسی، بعد از انتخاب کالا، باید بتوانید درباره پرداخت، رسید و روش پرداخت صحبت کنید. این بخش مخصوص جمله‌ها و کلمات مربوط به صندوق و پرداخت است و راجع به پول نقد و کارت و انواع پرداخت و ... صحبت می‌کند.

cash

پول نقد

I'd like to pay **in cash**.

مایلم نقد پرداخت کنم.

card

کارت

Can I pay by **card**?

می‌توانم با کارت پرداخت کنم؟

credit card

کارت اعتباری

I paid with my **credit card**.

با کارت اعتباری‌ام پرداخت کردم.

debit card

کارت بانکی

Do you accept **debit cards**?

کارت بانکی قبول می‌کنید؟

contactless payment

پرداخت بدون تماس

This store accepts **contactless payment**.

این فروشگاه پرداخت تماسی قبول می‌کند.

payment

پرداخت

Your **payment** was successful.

پرداخت شما موفق بود.

payment method

روش پرداخت

Please choose a **payment method**.

لطفاً یک روش پرداخت انتخاب کنید.

receipt

رسید

Would you like a **receipt**?

رسید می‌خواهید؟

gift card

کارت هدیه

I used a **gift card** to buy this.

برای خرید این از کارت هدیه استفاده کردم.

coupon

کوپن

I have a **coupon** for this store.

برای این فروشگاه کوپن دارم.

voucher

کوپن - به معنی کوپن یا اعتبار خرید است، مخصوصا در انگلیسی بریتانیایی

She gave me a **shopping voucher**.

او به من یک کوپن خرید داد.

promo code

کد تخفیف

Enter your **promo code** at checkout.

کد تخفیف خود را در مرحله پرداخت وارد کنید.

بیشتر بخوانید: اصطلاحات مربوط به پول در انگلیسی

تخفیف و حراج به انگلیسی

تخفیف، حراج و قیمت مناسب در خرید به انگلیسی اهمیت بسیار زیادی دارند. در این بخش به شکل کامل کلمات مرتبط با تخفیف و حراج به انگلیسی را در مثال‌های واقعی می‌بینیم و یاد می‌گیریم که چطور راجع به تخفیف اجناس و قیمت‌های مختلف در خرید به انگلیسی صحبت کنیم.



discount

تخفیف

Can I get a discount?

می‌توانم تخفیف بگیرم؟

sale

حراج

This store is having a big **sale**.

این فروشگاه حراج بزرگی دارد.

deal

معامله

That's a great **deal**.

خرید خیلی خوبیست (به صرفه است).

bargain

خرید خوب (دارای ارزش بالا نسبت به قیمت)

This jacket was a real **bargain**.

این ژاکت واقعا خرید خوبی بود.

offer

پیشنهاد / آفر

They have a special **offer** on laptops.

آن‌ها روی لپ‌تاپ‌ها پیشنهاد ویژه دارند.

clearance sale

حراج تصفیه - حراجی که برای رد کردن کالاهای باقی مانده انجام می‌گیرد

I bought these shoes in a **clearance sale**.

این کفش‌ها را در حراج تصفیه خریدم.

flash sale

حراج فوری

The website has a **flash sale** tonight.

این سایت امشب حراج فوری دارد.

Black Friday

جمعه سیاه / بلک فرای دی

I'm waiting for **Black Friday** to buy a laptop.

منتظر جمعه سیاه هستم تا لپ تاپ بخرم.

Cyber Monday

دوشنبه آنلاین – روز تخفیف‌های آنلاین بعد از **Black Friday**.

Many online stores offer discounts on **Cyber Monday**.

خیلی از فروشگاه‌های آنلاین در دوشنبه آنلاین تخفیف می‌دهند.

Is there any discount?

آیا تخفیفی هست؟ / آیا تخفیفی وجود دارد؟

Is there any discount on this bag?

روی این کیف تخفیف هست؟

Can you do a better price?

می‌توانید قیمت بهتری بدهید؟

Can you do a better price if I buy two?

اگر دو تا بخرم می‌توانید قیمت بهتری بدهید؟

Is this the best price you can offer?

آیا این بهترین قیمتی است که می‌توانید پیشنهاد بدهید؟

چانه زدن و مذاکره در خرید به انگلیسی

در بعضی موقعیت‌ها، مثل خرید از بازار، خرید عمده، خرید خودرو یا حتی املاک، ممکن است لازم باشد درباره قیمت مذاکره کنید. حداقل مواردی که باید در خرید به انگلیسی برای چانه زدن و مذاکره بلد باشید را در اینجا می‌آوریم تا بتوانید از آنها در جملاتان استفاده کنید.

bargain

چانه زدن

You can **bargain** at this market.

در این بازار می‌توانی چانه بزنی.

haggle

چک و چانه زدن (کمی محاوره‌ای‌تر است)

I don't like **haggling over** prices.

چک و چانه زدن سر قیمت‌ها را دوست ندارم.

negotiate

مذاکره کردن

We **negotiated** the price before buying the house.

قبل از خرید خانه درباره قیمت مذاکره کردیم.

negotiate the price

مذاکره کردن راجع به قیمت

Can we **negotiate the price**?

می‌توانیم راجع به قیمت مذاکره کنیم؟

lower the price

پایین آوردن قیمت

Could you **lower the price** a little?

می‌توانید کمی قیمت را پایین بیاورید؟

too expensive

زیادی گران

This is **too expensive** for me.

این برای من زیادی گران است.

more than I wanted to spend

بیشتر از چیزی که می‌خواستم خرج کنم

That's **more than I wanted to spend**.

بیش از چیزی است که می‌خواستم خرج کنم.

بیشتر بخوانید: آموزش مذاکره به انگلیسی

خرید آنلاین به انگلیسی

خرید اینترنتی بخش مهمی از زندگی روزمره شده است و بخش مهمی از خرید به انگلیسی نیز به شمار می‌آید. برای خرید آنلاین، باید کلمات مربوط به سفارش، پرداخت، ارسال، پیگیری و مرجوعی را بلد باشیم.

online shopping

خرید آنلاین

Online shopping is very convenient.

خرید آنلاین خیلی راحت است.

website

سایت

I ordered it from their **website**.

آن را از سایتشان سفارش دادم.

app

اپلیکیشن

I bought the ticket through the **app**.

بلیت را از طریق اپلیکیشن خریدم.

add to cart

افزودن به سبد خرید

Add the item to your cart first.

اول آیتم را به سبد خریدتان اضافه کنید.

cart

سبد خرید

There are three items in my **cart**.

سه آیتم در سبد خریدم وجود دارد.

checkout

پرداخت

You can enter the promo code at **checkout**.

می‌توانید کد تخفیف را در مرحله پرداخت وارد کنید.

place an order

سفارش دادن

I **placed an order** last night.

دیشب یک سفارش ثبت کردم.

order

سفارش

Your **order** has been confirmed.

سفارش شما تایید شده است.

shipping

ارسال

Shipping is free on orders over \$۵۰.

ارسال برای سفارش‌های بالای ۵۰ دلار رایگان است.

delivery

تحويل

The **delivery** took three days.

تحويل سه روز طول کشید.

tracking number

کد رهگیری

They sent me a **tracking number**.

آن‌ها برایم یک کد رهگیری فرستادند.

order status

وضعیت سفارش

You can check your **order status** online.

می‌توانید وضعیت سفارشتان را آنلاین بررسی کنید.

in transit

در مسیر ارسال

My package is still **in transit**.

بسته من هنوز در مسیر ارسال است.

out for delivery

در حال تحویل (یعنی به زودی تحویل داده می‌شود)

Your package is **out for delivery**.

بسته شما در حال تحویل است.

delivered

تحویل شده

The order was **delivered** this morning.

سفارش امروز صبح تحویل داده شد.

cancel an order

لغو کردن سفارش

I need to **cancel my order**.

باید سفارشم را کنسل کنم.

return an item

مرجوع کردن یک کالا

I want to **return this item**.

می‌خواهم این آیتم را مرجوع کنم.

مرجوع کردن، تعویض و پس گرفتن پول به انگلیسی

وقتی صحبت از **آموزش زبان انگلیسی** به شکل درست باشد، هر مبحث باید کامل آموزش داده شود و مرجوعی و تعویض نیز بخشی جدانشدنی از خرید به انگلیسی هستند. گاهی بعد از خرید، کالا اندازه نیست، خراب است یا با چیزی که سفارش داده‌ایم فرق دارد. در این موقعیت‌ها باید بتوانیم درباره مرجوعی، تعویض و بازپرداخت صحبت کنیم.

return

پس دادن / مرجوع کردن

I'd like to **return** this shirt.

می‌خواهم این پیراهن را پس بدهم.

exchange

تعویض کردن

Can I **exchange** this for a larger size?

می‌توانم این را با سایز بزرگ‌تر عوض کنم؟

refund

بازگشت پول / پس گرفتن پول

Can I **get a refund**?

می‌توانم پولم را پس بگیرم؟

warranty

گارانتی

Does this phone come with a **warranty**?

این گوشی گارانتی دارد؟

return policy

شرایط مرجوعی

What's your **return policy**?

شرایط مرجوعی شما چیست؟

damaged

آسیب دیده

The box arrived **damaged**.

جعبه آسیب دیده رسید.

defective

معیوب

This product is **defective**.

این محصول معیوب است.

It doesn't work.

کار نمی‌کند. / خراب است.

I bought this charger yesterday, but **it doesn't work**.

دیروز این شارژر را خریدم، اما کار نمی‌کند.

There's something wrong with it.

یک مشکلی دارد.

There's something wrong with this speaker.

این اسپیکر یک مشکلی دارد.

I'd like to return this.

مایلم این را برگردانم.

I'd like to return this, please.

مایلم این را پس بدهم، لطفاً.

I'd like to exchange this.

مایلم این را تعویض کنم.

I'd like to exchange this for a different color.

مایلم این را با رنگ دیگری تعویض کنم.

شکایت در خرید به انگلیسی

اگر در خرید مشکلی پیش بیاید، بهتر است با جمله‌های مودبانه و دقیق مشکل را توضیح بدهید. جملات و کلماتی که برای شکایت در خرید به انگلیسی در این بخش یاد می‌گیرید، برای خرید حضوری و آنلاین کاربرد دارد. اهمیت زیادی دارد که در زمان اعتراض به خرید به انگلیسی، به شکل کاملاً دقیق و درست مشکل پیش آمده را توضیح دهید تا به شکل درستی به آن رسیدی شود.

شکایت در خرید به انگلیسی



zabanmaster.com



complaint

شکایت / شکوه / اعتراض

I'd like to make a complaint.

می‌خواهم اعتراضی بکنم.

issue

مشکل / مسئله

There's an issue with my order.

مشکلی در سفارشم وجود دارد.

problem

مشکل

I have a **problem** with this item.

با این کالا مشکل دارم.

wrong item

کالای اشتباه

You sent me the **wrong item**.

کالای اشتباهی برای من فرستادید.

missing item

کالای جاافتاده (کالایی که ارسال نشده)

One item is missing from my order.

یک کالا از سفارش من جا افتاده است.

late delivery

ارسال با تاخیر

I'm calling about a late delivery.

درباره تاخیر در تحویل تماس می‌گیرم.

overcharge

گران حساب کردن / بیش از حد پول گرفتن

I think I was overcharged.

فکر می‌کنم بیشتر از مبلغ درست از من پول گرفته شد.

charge twice

دو بار پول گرفتن / دو بار حساب کردن

I was charged twice for the same order.

برای یک سفارش، دو بار از من پول کم شده است.

This isn't what I ordered.

این چیزی نیست که من سفارش دادم.

This isn't what I ordered. I ordered the blue one.

این چیزی نیست که من سفارش دادم. من آبی اش را سفارش دادم.

I'm afraid there's a problem with my order.

متأسفانه مشکلی در سفارش من وجود دارد.

اصطلاحات رایج خرید به انگلیسی

در انگلیسی، برای صحبت درباره خرید فقط از کلمات ساده استفاده نمی‌شود. اصطلاحات زیادی وجود دارد که در مکالمه روزمره بسیار طبیعی و Native-like هستند. در این بخش از درس خرید به انگلیسی این اصطلاحات را به همراه جمله به شما یاد می‌دهیم.

window shopping

ویترین‌گردی کردن / همین‌طور تماشا کردن و چیزی نخریدن

We went window shopping downtown.

رفتیم ویترین گردی در مرکز شهر.

shopping spree

خرید زیاد کردن / خرید شدتی سرعتی

She went on a shopping spree after getting paid.

او بعد از گرفتن دستمزدش رفت خرید شدتی سرعتی.

impulse buying

خرید لحظه ای / خرید احساسی / خرید تکانه ای / خرید بی فکر

Impulse buying can ruin your budget.

خرید بی فکر می تواند بودجه ات را نابود کند.

retail therapy

خرید درمانی

I know **retail therapy** isn't a real solution, but it helps sometimes.

می دانم خرید درمانی راه حل واقعی نیست، اما گاهی کمک می کند.

shop around

بررسی و مقایسه کردن گزینه های خرید

You should **shop around** before buying a car.

قبل از خرید ماشین باید گزینه های مختلف را بررسی کنی.

a good deal

خرید خوب

This laptop was a **good deal**.

این لپ تاپ خرید خوبی بود.

a rip-off

گران فروشی

Ten dollars for a coffee? That's a **rip-off**.

ده دلار برای یک قهوه؟ این واقعا گران فروشی است.

sold out

تمام شده / کامل فروخته شده

The tickets are **sold out**.

بلیت‌ها تمام شده‌اند.

out of stock

ناموجود

This item is currently **out of stock**.

این کالا در حال حاضر ناموجود است.

back in stock

دوباره موجود شده

The black shoes are **back in stock**.

کفش‌های سیاه دوباره موجود شده‌اند.

buy one, get one free

یکی بخر، دو تا ببر

The store has a **buy one, get one free** offer on T-shirts.

فروشگاه روی تی‌شرت‌ها پیشنهاد یکی بخر، یکی رایگان ببر دارد.

تابلوها و نوشته‌های رایج در فروشگاه‌ها به انگلیسی

وقتی وارد فروشگاه یا مرکز خرید می‌شوید، ممکن است با تابلوها و نوشته‌های مختلفی روبه‌رو شوید. دانستن این عبارات کمک می‌کند سریع‌تر متوجه شرایط خرید شوید. خود این اصطلاحات می‌توانند به تنهایی روی تابلوها نوشته شوند و در عین حال ممکن است آنها را در جملات ببینید و بشنوید.

open

باز

The store is **open** until ۹ p.m.

فروشگاه تا ساعت ۹ شب باز است.

closed

بسته

Sorry, we're closed.

متاسفیم، بسته ایم.

sale

حراج

Everything is on sale today.

امروز همه چیز حراج است.

special offer

پیشنهاد ویژه

There's a special offer on coffee today.

امروز روی قهوه پیشنهاد ویژه هست.

new arrivals

اجناس جدید

Check out our **new arrivals**.

کالاهای جدید ما را ببینید.

cash only

فقط پول نقد

This shop is **cash only**.

این فروشگاه فقط پول نقد قبول می‌کند.

No refunds

بازگشت وجه نداریم

The sign says no **refunds**.

روی تابلو نوشته بازگشت وجه نداریم.

Final sale

جنس فروخته شده پس گرفته نمی شود

This item is **final sale**.

این کالا فروش نهایی است و قابل مرجوعی نیست.

جمع بندی

برای صحبت درباره خرید به انگلیسی، فقط دانستن کلمه **buy** کافی نیست. بهتر است تفاوت **buy**، **shop**، **shopping** و **purchase** را بدانید و با جمله‌های کاربردی خرید، پرداخت، تخفیف، مرجوعی و خرید آنلاین آشنا باشید. اگر این عبارات را در موقعیت‌های واقعی تمرین کنید، مکالمه در فروشگاه یا خرید اینترنتی برایتان بسیار ساده‌تر می‌شود.

سوالات متداول

خرید به انگلیسی چی می‌شود؟

بسته به جمله، می‌توان از **buy**، **shopping** یا **purchase** استفاده کرد.

خریدم به انگلیسی چی می‌شود؟

برای گفتن «خریدم» می‌گوییم **I bought**... یا در مکالمه طبیعی‌تر **I got**....

رفتن به خرید به انگلیسی چی می‌شود؟

عبارت درست و طبیعی آن **go shopping** است.

مرکز خرید به انگلیسی چی می‌شود؟

مرکز خرید به انگلیسی **shopping mall**، **mall** یا **shopping center** می‌شود.

خرید لباس به انگلیسی چی می‌شود؟

برای خرید لباس می‌توان گفت **buy clothes** یا **shop for clothes**.